

عید غدیر در فرهنگ شیعی

دکتر محمد رضا بندرچی

درآمد

تعظیم روز غدیر و برگزاری مراسم عید در آن از دیرباز شعار تشیع بوده است. به علاوه چون به موجب بعضی احادیث (زاد المعاد مجلسی، حدیث معلی بن خنیس) روز غدیر مصادف با نوروز بوده شیعیان افغانستان و هند و پاکستان روز اول فروردین را به احترام روز غدیر عید می‌گیرند. در مصر، خلفای فاطمی عید غدیر را رسمیت دادند (المعزالدین لله، حسن ابراهیم و طه شرف، ص ۲۸۵). در ایران نیز از سال ۹۰۷ ه. ق. که شاه اسماعیل صفوی به سلطنت رسید و مذهب تشیع را رسمیت و رواج داد تا به امروز عید غدیر از اعیاد رسمی کشوری است. در نجف هر سال در این روز مراسم باشکوهی در صحن علوی منعقد می‌شود و رجال و علمای شیعه و سفرای بلاد اسلامی در آن حضور یافته، خطابه‌ها و قصاید غدیری ایراد می‌شود. در احساء و قطیف، که موطن شیعیان اثنا عشری است، و در یمن، که شیعیان زیدی به سر می‌برند، نیز روز غدیر با جشن و چراغانی برگزار می‌شود و در مجامع مذهبی، حدیث غدیر روایت می‌گردد.

ادبیات غدیر و غدیری‌ها

واقعه غدیر خم علاوه بر آن که سرفصل کتب تفسیر و حدیث و کلام و فقه و تاریخ شیعه است در ادبیات و هنر و عادات و آداب اجتماعی و سنن ملی شیعه نیز تأثیر سازنده داشته است و مخصوصاً در شعر عربی و سپس فارسی جای ممتازی دارد.

علاوه بر حسان بن ثابت که نخستین شاعر غدیری‌سرا بود سایر صحابه مانند امیرالمؤمنین علی - علیه‌السلام - عمر و بن العاص و قیس بن سعد بن عباده نیز این حدیث را در اشعار خود جاویدان ساختند.

بعد از ایشان فحول شعرای عرب مانند کُمیت بن زید اسدی، سید اسماعیل حمیری، ابوتَمّام، دِعبِل خُزاعی، شریف رضی، شریف مرتضی، مهیار دیلمی، صاحب بن عباد، ابوفراس، حسین بن حجاج، کشاجم، ابن منیز طرابلسی، و صفی‌الدین حلّی و... غدیری‌های پرمغز و عالی سرودند و این هنر را در ادب عربی و بین شیعیان رایج ساختند. نمونه اشعار ایشان در کتاب *احیان الشیعة و القدیر* به چاپ رسیده است.

شرح احوال شاعران شیعی عرب در کتاب *اخبار شعراء الشیعة*، تألیف ابو عبدالله مرزبانی و *ادب العطف*، تألیف سید جواد شبّر و سایر تراجم شعرا و تواریخ ادب عرب مسطور است.

در زبان فارسی قدیمی‌ترین غدیری‌ها از منوچهری دامغانی (درگذشته ۴۳۲ ه. ق.) در دست است. از آن پس شاعران شیعی در ایران و سایر بلاد آسیا به غدیری‌سرایی پرداختند و از عهد صفویه رسم شد که در مجالس رسمی عید غدیر قصاید غدیری خوانده شود.

از مشاهیر شاعران پارسی غدیر باید از ناصر خسرو قبادیانی، سنایی غزنوی، ابن‌یمین فریومدی، وحشی بافقی، قآنی شیرازی، شمس الشعراء بهار و... نام برد. (۱)

به علاوه مثنوی‌ها و حماسه‌های بسیار در اطراف حدیث غدیر سروده شده و

۱- یادنامه علامه امینی، ۴۱۴/۱ - ۴۳۰، مقاله دکتر سجادی، تهران، ۱۳۵۲ ش.

موضوع را از جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار داده‌اند.

مشهورترین مثنوی‌های عرفانی که به نام ولایت‌نامه معروف است، اثر طبع هاشم ذهبی، محمد هاشم درویش زنجانی، صدر کاشف دزفولی، ضمیر حلوی، عبدالواحد ناظم، فارغ‌گیلانی، آخوند ملا سلطان علی‌گنابادی و سلیم تونی است.^(۱)

ایرادات بر حدیث غدیر و پاسخ آنها

غالب علمای اهل سنت مانند شیعیان در صحت حدیث غدیر تردید نمی‌کنند. نام چهل تن از ایشان را علامه امینی در *الغدیر*^(۲) با اقوال و ترجمه احوالشان ثبت کرده است، ولی اینان به دلایلی که در کتب خود آورده و بیشتر آنها تقلیدی است این حدیث را برای اثبات ولایت مطلقه و خلافت بلافصل مولای متقیان علی - علیه السلام - کافی نمی‌دانند. برای روشن شدن موارد اختلاف توضیحات ذیل نوشته می‌شود:

۱) از قرن پنجم هجری که تعصبات و صف‌آرایی‌های مذهبی شدت یافت بعضی مانند «ابن حزم اندلسی» (درگذشته ۴۳۸ ه.ق.) و بعد از او «ابن تیمیه» (درگذشته ۶۲۲ ه.ق.) به دلیل آن‌که حدیث غدیر در *صحیح بخاری* و *صحیح مسلم* مذکور نیست و از طرق اهل سنت روایت نشده و جز در *مُسند ابن حنبل* در سایر صحاح نیامده است آن را ضعیف شمردند. «ملا سعد تفتازانی» و «قاضی عضد ایجی» و «ملا علی قوشچی» و «میر سید شریف جرجانی» و نظایر ایشان نیز همین سخنان را تکرار و برای نظر خود شاهد آوردند که «ابوداود» و «ابوحاتم مسجستانی» نیز صحت این حدیث را مورد طعن قرار داده‌اند. شیعیان در پاسخ ایشان می‌گویند:

اولاً احادیث صحیح به مندرجات دو کتاب بخاری و مسلم منحصر نیست. به همین سبب حاکم نیشابوری (درگذشته ۴۰۵ ه.ق.) کتاب *المستدرک علی الصحیحین* را نوشته بود تا احادیث صحیح از قلم افتاده را در آن جمع کند و حدیث

غدیر از آن جمله است.

ثانیاً حدیث غدیر در صحیح ترمذی و سنن ابن ماجه و سنن دارقطنی و مسند ابن حنبل که هر چهار کتاب از اصول موافق اهل سنت به شمار می‌رود مسطور است.^(۱) ثالثاً در طرق حدیث غدیر، سی تن از مشایخ بخاری و مسلم^(۲) مذکورند که اگر در اعتبار ایشان شکی باشد اعتبار احادیث بخاری و مسلم نیز زیر سؤال می‌رود.

رباعاً حدیث غدیر را ۱۱۰ تن از صحابه و ۸۴ تن از تابعین و ۳۱۰ محدث روایت کرده‌اند. چنین حدیث متواتری را ضعیف چگونه توان گفت.

خامساً «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» که در حدیث غدیر آمده در سایر احادیث صحیح نیز آمده است، مانند حدیث بریده بن الحصیب و حدیث اغمش و حدیث ابن عباس.^(۳)

(۲) در دلالت حدیث بر ولایت و امارت علی - علیه السلام - بر همه مؤمنان و امامت و خلافت او، همه علمای شیعی اتفاق نظر و اجماع دارند. شواهد بسیار از کلام فحول شعرا و لغویین عرب که قولشان در عربیت حجت است ثابت می‌کند که مولی به معنی «اولی به نفس» و «ولئی واجب الاطاعة» است و چنان‌که گذشت ابوبکر و عمر، علی - علیه السلام - را «مولی کل مؤمن و مؤمنة» خواندند که معلوم است به معنی ولئی واجب الاطاعة است.

(۳) در فرهنگ‌های عربی، مولی به بیست و هفت معنی آمده است:

پروردگار، انعام دهنده، انعام داده شده، آزاد کننده، آزاد شده، پسر، عمو، پسرعمو، خواهرزاده، شریک، بنده، مالک بنده، هم سوگند، یار، تابع، همسایه، مهمان، ولئی، ناصر، داماد، عهده‌دار امر، سزاوارتر، خویشاوند، آقا، متولئی، فقید و دوستدار.

علمای اهل سنت به دلایلی که در کتب حدیث و کلام ذکر کرده‌اند مولی را در

۱- فضائل الخمسة، ص ۳۴۹.

۲- الغدیر، ۱/۳۲۰.

۳- المستدرک علی الصحیحین، ۳/۱۱۰؛ فیض الغدیر، ۶/۲۱۸؛ حلیة الاولیاء، ۶/۴ و ۲۳؛ مسند، ابن حنبل، ۵/۳۵۸؛ کنز العمال، ۶/۱۵۲؛ ذخائر العقبین، ۱/۸۶؛ مجمع الزوائد، ۹/۱۱۹.

حدیث غدیر، دستدار و یاور معنی می‌کنند. مولانا جلال‌الدین رومی حدیث غدیر را در مثنوی معنوی چنین ترجمه کرده است:

زین سبب پیغمبر با اجتهاد نام خود وان علی مولی نهاد
گفت هر کس را منم مولا و دوست ابن عمّ من علی مولای اوست
و می‌گویند مولی به معنی اولی یا ولیّ نیست، چون وزن مَفْعَل در زبان عرب به معنی أَفْعَل یا فَعِيل نیامده است، بنابراین بر این حدیث بر ولایت مطلق و خلافت مولا علی نمی‌شود استناد کرد.

شیعیان این استدلال را نادرست می‌دانند و شواهد بسیار اقامه می‌کنند که مَفْعَل به معنی أَفْعَل و فَعِيل، هر دو، آمده است.^(۱) به علاوه یاری کردن و دوست داشتن پیغمبر به حکم قرآن بر هر مسلمان واجب است. توصیه یاری کردن و محبت مولا علی - علیه السلام - هم مسأله چنان مهمی نبود که به خاطر آن کنگره اسلامی تشکیل شود. این امر در ده‌ها حدیث دیگر ابلاغ شده بود و تشریفات و بیعت کردن و تاج پوشی لازم نداشت.

(۴) «احمد بن حنبل» و سایر ائمه حدیث آورده‌اند که چند تن از انصار از جمله ابویوب انصاری در رحبه (کوفه) نزد علی - علیه السلام - آمدند و هنگام سخن گفتن او را مولی خطاب کردند. حضرت علی - علیه السلام - فرمود: چرا به من مولی می‌گویید؟ شما عربید و من مولای شما چگونه توانم بود؟ گفتند: ما در روز غدیر خم حضور داشتیم و شنیدیم که رسول الله - صلی الله علیه و آله - تو را مولای ما خواند از این رو بر خود لازم می‌بینیم تو را مولی خطاب کنیم.^(۲)

این حدیث دلیل است بر آن که معنی مولی در حدیث غدیر بالاتر از دوست و یاور، و به معنی ولیّ امر است.

(۵) بعضی علمای اهل سنت آورده‌اند که حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ» را

۱ - فضائل الخمسة، ۳۹۱/۱ به بعد؛ الغدير، ۳۴۴/۱ به بعد.

۲ - الغدير، ۱۸۷/۱.

رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - به اسامه فرموده بوده است.

شیعیان این قول را باطل می‌دانند، زیرا اسامة بن زید ضمن گفتگو با علی گفت: مولای من رسول الله است، تو که مرا آزاد نکرده‌ای؟ پیغمبر به اسامه فرمود: هر که را من آزاد کننده‌ام علی آزاد کننده اوست.

بعضی هم می‌گویند مخاطب این حدیث در روز غدیر زید بن حارثه، پدر اسامه، بوده است. شیعیان این قول را به هر دو احتمال باطل می‌دانند زیرا اسامة بن زید آزاد کرده پیغمبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - نبوده بلکه پدرش را رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - آزاد کرده بود و او آزاد به دنیا آمد. در مورد زید بن حارثه نیز این سخن صادق نیست چون او در جمادی الاولی سال هفتم در جنگ موته شهید شده بود و طبعاً نمی‌توانست در روز غدیر حضور داشته باشد. مأمون عباسی با همین استدلال چهل تن از محدثین اهل سنت را مجاب نمود. (۱)

(۶) به روایت *اهیان الشیعة* ابن کثیر شامی در *تاریخ دمشق* آورده است که اجتماع غدیر خم و حدیث غدیر در شأن علی بدان سبب بود که پس از بازگشت وی از فتح یمن چند تن از ناراضیان نسبتِ خشونت و عدم رعایت عدالت در تقسیم غنایم به او دادند، آن حضرت برای اثبات براءت ساحت علی - علیه السلام - و رفع شبهه، اجتماع غدیر را ترتیب داد و آن سخنان را در فضایل مولا علی - علیه السلام - بیان نمود.

علمای شیعی این قصه را نیز نامناسب و بی‌دلیل می‌دانند، زیرا به اتفاق مورّخین شکایت ناراضیان و پاسخ قاطع رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - در مکه در حضور حاجیان بود و حدیث غدیر مربوط به روز هجدهم ذی الحجة بعد از خروج از مکه و بعد از مناسک حج است؛ با توجه به این که سبب خاصی پیش نیامد که در فاصله چند روز شاکیان تجدید شکایت کنند و لازم باشد رسول الله - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - چنان کنگره عظیمی را برای پاسخ‌گویی ترتیب دهند.

* * *